اصلاح‌طلبان به صراحت به هم‌رنگ شدن جهانی تاکید دارند/ با عوض کردن رنگ جهانی انقلابی می‌شویم

به گزارش خبرگزاری فارس از مشهد، محمدصادق کوشکی در سلسله جلسات بزم اندیشه، نگاه جهانی داشتن را از ویژگی‌های جوان انقلابی دانست و اظهار کرد: مبارزه با ظلم و استکبار و تلاش برای رسیدن به وضعیت مطلوب از ویژگی‌های جوان انقلابی است به عنوان مثال مشاهده می‌کنیم که چندی پیش یک جبهه جهانی از جوان‌ها در کشور تونس تشکیل شد که در مورد دین و ملیت‌های مختلف در مسئله فلسطین، صلح، مقابله با استکبار و محیط زیست توافقی تشکیل دادند.

وی با اشاره به تفاوت های دنیای معاصر و گذشته، اظهار کرد: در دنیای معاصر شکل حاکمیت، مناسبات و حتی تعریف خانواده تغییر کرده است و دنیا دهکده کوچکی شده که کدخداهای نامحسوس دارد و رهبری دنیا را در اختیار گرفته‌اند.

این کارشناس مسائل بین‌الملل، هم‌رنگی را از ویژگی‌های دنیای امروز معرفی و بیان کرد: جهانی‌سازی و آمریکاسازی از نام‌های دیگر هم‌رنگی بوده که این هم‌رنگ‌سازی از قدرت دنیای معاصر است و در پذیرش آن اجباری وجود ندارد.

کوشکی با اشاره به وظیفه جوان انقلابی در برابر این همرنگی دنیای معاصر، گفت: جوان انقلابی نه تنها باید آن قدر دقیق باشد که از هم‌رنگی فرار کند، بلکه باید سعی کند آن را به چالش نیز بکشد، روشنفکری کند و رنگی را انتخاب کند که خودش به آن روی آورده و باید توجه داشت که انقلابی‌ترین افراد ما به دام این همرنگی افتادند.

وی یادآور شد: دنیای فعلی دنیایی است که عده معدودی فکر و بقیه مصرف می‌کنند و الزام رسیدن به جهان متفکر این است که مصرف کننده نباشیم؛ متفکر شدن خیلی دشوار است و برای عمیق و متفکر شدن باید به روز باشیم و در این راه از اطلاعات مختلف بهره بگیریم.

این کارشناس مسائل بین‌الملل، شهید آوینی را از جمله جوانان انقلابی معرفی و اظهار کرد: متاسفانه به دلیل سطحی نگری‌های بسیار، عمق فکر این شهید بزرگوار را متوجه نشده‌اند، وی برای بهتر شدن و بر هم زدن جهان موجود حرف داشت؛ شهید حسین الحوثی نیز از دیگر جوان انقلابی امروز است که با آشنایی با اندیشه‌های امام راحل رمز بدبختی‌ها را آمریکا و اسراییل می‌داند و چهره بعدی رهبر کنونی انصارالله است که جنبش را در مسیری هدایت می‌کند که معادلات دنیا را به هم ریخته و آمریکا و اسراییل قصد سرکوبی و نابودی وی را دارند.

کوشکی با اشاره به نامگذاری مشهد به عنوان پایتخت فرهنگی جهان اسلام در سال ۲۰۱۷، بیان کرد: ما مفتخر به پایتخت فرهنگی شدن هستیم اما باید توجه داشت که بخشی از پروژه همرنگ‌سازی مورد نظر کدخدا اتفاق نیفتد که سبب ایجاد کینه و دشمنی اسراییل شود.

کارشناس مسایل بین الملل با اشاره به فرمایش امام راحل در واقعه کشتار حجاج ایرانی در سال ۶۶ که بیان کردند انتقام خود را از آل‌سعود با انتقام از آمریکا و اسراییل می‌گیریم، گفت: این موضوع بیانگر ماهیت همرنگ‌سازی است که توجه جوانان انقلابی به انتقام از آل‌سعود و وهابیت باشد و کینه آل سعود فراموش شود در حالی که آشنایی با اندیشه های امام خمینی از راهکارهای دستیابی به تفکرات عمیق محسوب می‌شود چرا که برای تفکر عمیق باید به منبعی وصل شویم که واقعیت جهان را داشته باشد و صحیفه و اندیشه‌های امام خمینی(ره) نمونه‌هایی از آن و نیز پلی برای دستیابی به معارف اهل بیت(ع) و آموزه‌های دینی به شمار می‌رود.

وی خطاب به جوانان اظهار کرد: برخلاف جریان موجود به آگاهی نمایی‌ها اعتماد نکنید و بدانید اگر به نهج البلاغه و معارف اهل بیت توجه کنید در همه عرصه ها حتی محیط زیست نیز آگاهی پیدا خواهید کرد چرا که دین اسلام کامل‌ترین دینی است که در همه عرصه‌ها حرفی برای گفتن دارد.

کوشکی ،تهی‌تر و کندتر شدن ذهن را از نتایج ارتباط با فضاهای مجازی جدید دانست و افزود: فضاهای مجازی امروز برای ترویج غفلت و سبک مغزی ساخته شده‌اند که هیچ ارزشی ندارند اما اگر کسی توانست با استفاده از آنها دین را ترویج کند، کار خوب و البته سختی است.

وی در پاسخ به سئوالی در مورد دیدگاه اصلاح‌طلبان و اصولگرایان در مورد هم‌رنگ شدن، بیان کرد: اصلاح‌طلبان هم‌رنگی را، محصول خلاقان و متفکران جهان می‌دانند و به صراحت به هم رنگ شدن تاکید دارند ولی اصولگرایان آن را تا جایی که با دین تضاد نداشته باشد، می‌پذیرند اما حقیقت این است که رنگ جهان غلط است و باید رنگ را عوض کنیم و در این حالت می‌توان گفت، انقلابی شده‌ایم.

نکاتی مهم در باب مهندسی توسعه استان

در هفته های اخیر شاهد کلنگ زنی چند پروژه مهم صنعتی در استان بودیم :

1. فاز اول مجتمع پتروشیمی مکران با حضور وزیر صنعت، وزیر دفاع، دبیر مناطق آزاد کشور، استاندار و آقای مولوی عبدالحمید انجام شد.

2. همچنین قرار بود هفته گذشته معاون اول رئیس جمهور برای کلنگ زنی کارخانه لاستیک سازی به زابل بیاید که متأسفانه به دلایل نامعلومی این کلنگ زنی انجام نشد.

...

در میانه شادی مردم و مسئولین از این اقدامات، نکات مهمی وجود دارد که اگر رعایت نگردد این شیرینی به تلخی منتج خواهد شد.

1. تضمین مواد اولیه و فروش : از حیث تأمین مواد اولیه و تضمین فروش محصولات این کارخانه¬ها اطمینان خاطری وجود داشته باشد. مثالهای متعددی در این زمینه وجود دارد که متأسفانه با وجود سرمایه¬گذاری سنگین دولت به دلیل بی توجهی به این دو نکته اساسی به اهداف خود نرسیده¬اند. از جمله این مثالها می¬توان به کارخانه سیمان سیستان اشاره کرد که همکنون برای تامین سوخت کوره¬هایش شدیداً دچار مشکل است. این نکته خصوصاً در مورد کارخانه لاستیک سازی باید با دقت بیشتری ملاحظه شود چرا که کارخانجات لاستیک سازی مطرح کشور نیز این روزها از لحاظ میزان فروش و سودآوری حال و روز خوشی ندارند.

2. قربانی کردن اقتصاد به پای سیاست : حال که با درایت مقام معظم رهبری در توجه دادن مدیران کشور به توسعه سواحل مکران و همچنین رسیدگی به مسائل سیستان، با وجود کمبود بودجه شدید دولت، حجم سنگینی از بودجه و امکانات راهی این منطقه شده بیم آن می رود که برخی از خواص از کم اطلاعی عوام مردم استفاده کرده و این پروژه¬ها و بودجه¬ها را حاصل ضرب شست خودشان معرفی کنند. به عبارتی ضمن تقدیر و تشکر از مقام معظم رهبری در عنایت ویژه به منطقه، به مردم اینگونه القاء کنند که این پروژه ها که می بینید نتیجه اعتماد شما به بنده، تیم و جناح من است و نه عنایت نظام. نتیجه چنین رفتاری تقویت باندهای قدرت و ثروت و گسترش فساد است.

3. شاهرگ¬ها بعلاوه مویرگ¬ها : طراحی این پروژه ها باید به گونه ای باشد که علاوه بر منافع دولت و سرمایه گذاران بخش خصوصي، منافع آن به عموم مردم منطقه خصوصاً طبقات متوسط به پایین نیز برسد. در این صورت است که این پروژه¬ها مثل یک گیاه خودش را در آن زمین می¬گیرد. منطقه آزاد چابهار نمونه خوبی از این عدم تناسب است. یک عده در این منطقه منافع آنچنانی می¬برند، در ساختمانهایی آنچنانی زندگی می¬کنند و در همسایگی آنها عده¬ای بی بهره یا کم بهره از این سفره با حداقل امکانات زندگی می¬کنند. اگر فقط به فکر شاهرگ¬ها باشیم با اجرای این پروژه¬ها صرفاً یکسری نقاط آسیب¬پذیر به کشور اضافه خواهیم کرد. در حالی که اگر ترکیب متناسب شاهرگ¬ها و مویرگ¬ها باشد رشدی متوازن و پایدار خواهیم داشت.

4- امنیت سرمایه : در یک نگاه راهبردی مقام معظم رهبری چابهار را محور توسعه شرق کشور معرفی کردند. دلیل اینکه عمده این پروژه ها و سرمایه¬گذاریها در چابهار متمرکز شده نیز همین نگاه است. اما در یک نگاه بین المللی چابهار در کنار بندر گوادر پاکستان قرار دارد. شاید بتوان گفت همین درجه از اهمیتی را که ما برای چابهار قائل هستیم پاکستان نیز برای بندر گوادر قائل هست. چندین سال است که پاکستان به همراه چین در حال توسعه بندر گوادر هستند. آنها با طراحی مسیر تجاری گوادر-کاشگر میلیاردها دلار در این بندر سرمایه¬گذاری کرده¬اند که با تقویت بندر چابهار مطمئناً این حجم سرمایه¬گذاری تهدید خواهد شد.

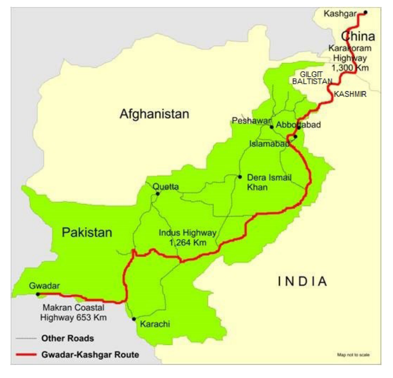

از طرفی نیز سابقه تاریخی پاکستان در منازعات اقتصادی سابقه خوبی نیست. پاکستان طی سالهای گذشته ثابت کرده است که در تصمیمات مهم اقتصادی و سیاسی خود بیش از آنکه به اخلاق همسایگی و حتی منافع خود پایبند باشد به سیاستهای دیکته شده امریکا و عربستان وابسته است.

همه این عوامل بعلاوه تلاش مداوم نیروهای امریکایی و ناتو در ضدیت با ایران باعث می¬شود که ما بیش از پیش به بحث امنیت چابهار متوجه باشیم. آیا تضمینی وجود دارد که نیروهای خارجی در منطقه با همکاری پاکستان به منظور از رونق انداختن بندر چابهار در این منطقه ناامنی ایجاد نکنند؟ لذا باید همه اعم از مردم، سرمایه¬گذاران و دولت به فکر امنیت چابهار باشند که آینده چابهار در گرو آن است.

عباس حیدری

fanoos.ir

دیدار ظریف با کری همزمان با فاجعه منا چه پیامی دارد؟

این تصویری است که رسانه های جهان اسلام مکررا آن را پخش می کنند، آنهم لابلای تصاویر و اخباری از حادثه دلخراش منا. معنای آن روشن است؛ ایران و متحدانش مانند حزب الله و انصارالله، سعودی ها را مقصر کشته شدن صدها نفر از حجاج می دانند. آنها معتقدند سعودی ها هم پیمان و هم پیاله ی آمریکا و اسرائیل هستند. اما رسانه های جهان عرب با پخش چنین تصاویری این روزها بر همپیالگی جمهوری اسلامی با آمریکا تاکید می کنند و این افسانه ی دروغین را با صدای بلندتری فریاد می زنند که از ابتدا نیز هیچ اختلافی بین ایران و امریکا در نابود کردن مسلمانان و اعراب نبوده! این هم سندش!

داعش شعار مرگ بر آمریکا می گوید و به طرفدارانش می گوید اگر آمریکا دشمن ایران بود پس چرا دو دشمن اصلی ایران - طالبان و صدام - را در شرق و غرب این کشور نابود کرد؟! و اکنون چطور درباره ی مبارزه با دولت اسلامی هم پیمان شده اند؟!

«جهان پس از برجام» که تکیه کلام رییس جمهور ما شده چنین واقعیتی دارد؛ لحن مقامات رسمی ایران در برابر آمریکا نرم شده و تصاویر لبخندهای مکرر و دست دادن های اضافی ما و آمریکا دو نتیجه غیرقابل انکار را برجا گذاشته است:

اول اینکه مسلمانان و به خصوص اعراب به سختی دشمنی ما با آمریکا را باور می کنند و این یعنی جایگزین شدن تقلبی داعش در صف اول مبارزه با استکبار و محبوب تر شدن و قدرتمند تر شدن آن.

دوم بی اعتبار شدن روزافزون جمهوری اسلامی به عنوان محور مقاومت نزد نهضت های آزادی بخش و اسلامی و حتی دولت ها؛ چنانکه حتی پس از چندین بار تماس شخص جواد ظریف با مقامات سعودی، همچنان برای وزیر دولت تدبیر و امید ویزای عربستان صادر نشده است!

و حالا یک سوال:

آیا اگر حادثه ای به مراتب کم اهمیت تر از کشته شدن صد و سی و اندی ایرانی برای امریکایی ها اتفاق می افتاد، رییس جمهور امریکا همچنان به سفر های خارجی اش ادامه می داد و به دادن یک پیام بی اثر و خنثی اکتفا می کرد؟!

قطعاً خیر! پاسپورت ها وقتی ارزشمند می شوند که دیگران برای ما ارزش قائل باشند و دیگران وقتی برای ما ارزش قائل می شوند که خودمان برای خودمان ارزش قائل باشیم...

دولتی که نوک پیکان لحن تند و تهدیدش به سمت داخل است و لبخند ظریفش با دگران، اعتبار خود را هم حراج خواهد کرد.

وحید یامین پور

معرفی کتاب:

نیمه پنهان ۵۴: مداخلات؛ روایتی مستند از جنایات آمریکا در ایران

کتاب «مداخلات» که به همت دفتر پژوهش‌های کیهان عرضه می‌شود، مجموعاً شامل پنج جلد است که در هر یک از آنها با بهره‌گیری از اسناد آشکار، روایتی دقیق و مستند از ۶۰ سال جنایات آمریکا در ایران طی مقطع زمانی ۱۳۳۲ تا ۱۳۹۲ ارائه شده است. اسفند ۱۳۹۳ جلد اول «مداخلات»، پنجاه و سومین جلد از مجموعه «نیمه پنهان»شامل وقایع کودتای ۲۸ مرداد ۱۳۳۲ تا پیروزی انقلاب اسلامی ایران وارد بازار نشر شده بود که اکنون جلد دوم این کتاب نیز به مخاطبان عرضه خواهد شد. در قسمتی از این کتاب می‌خوانیم:

یکی از خلبانان که از وی برای شرکت در کودتای نقاب (نوژه) دعوت به همکاری کرده بودند، اظهار داشت: «به من گفتند مأموریت تو بمباران بیت امام [در جماران] و تلویزیون [جام‌جم] است و ما می‌توانیم تا پنج میلیون نفر را بکشیم. اگر هم [در حین عملیات] لازم شد، در یکی از کشورهای حوزه خلیج فارس و یا روی ناو آمریکا در خلیج فارس فرود بیاییم. من گفتم شما با مردم مخالفید یا با حکومت که این همه کشت و کشتار می‌خواهید بکنید؟! گفتند ما با حکومت مخالفیم ولی هرکس هم که بخواهد مانع کار ما بشود، چاره‌ای نداریم جز اینکه همه آنها را بکشیم.»

گفت و گوی خواندنی با حجت الاسلام احمد رهدار

حضرت خدیجه، الگوی سرمایه داری در دوران اقتصاد مقاومتی

شاید بسیاری از مفاهیمی که این روزها در دوره و عصر خودمان می شنویم، سابقه ای داشته باشد به قدمت حتی چند قرن. یعنی اینکه آن حرف تنها حرف امروز نیست بلکه صحبت دیروز و امروز و حال و آینده است. اقتصاد مقاومتی و ایستادن پای آنچه که اعتقاد توست، یکی از همان مفاهیم است. تعبیری که قرن ها قدمت دارد حالا یا با همین اسم و رسم یا با القاب دیگر. مهم اصل، مفهوم و مغز یک مسأله است که در تاریخ ماندگار بوده و هست. با توجه به برگزاری همایش "اقتصاد سیاسی؛ از انفعال تا اقتدار"، بهانه ای دست داد که به سراغ اندیشمند نام آشنا و کارشناس تاریخ اسلام و تاریخ معاصر برویم. پای حرف های حجت الاسلام دکتر احمد رهدار چهره فعال و سخنران دانشگاهی نشسته ایم تا از قدمت مقاومت اقتصادی از صدر اسلام تا همین چند سال گذشته و مباحثی پیرامون آن برای ما سخن بگوید.

در تاریخ اسلام چند نمونه رفتاری که از ناحیه علما برای عزت ملی و عزت اسلام انجام شده است، بگویید.

برای تبیین موضوع بهتر است نمونه این رفتارها را در چند مقطع تاریخی ذکر کنم، مقاطعی که تجربه ای از فشارهای اقتصادی سخت برای مسلمانان به همراه داشت. بنابراین توجه و ذکر عکس العملی که آنها در مقابل این فشارها داشتند می تواند عبرتی برای ما باشد. در صدر اسلام چندین نمونه از این فشارها بوده که یکی از بارزترین آنها محاصره اقتصادی پیامبر اکرم(ص) و یارن ایشان در مکه و شعب ابی طالب است که تنها نسخه ای که در آن وضعیت می توانست کارآمد باشد و البته همان هم اجرا شد، هزینه کردن تمام ثروت خدیجه(س) بود که آنها را از این گردنه سخت عبور داد. به نظر بنده این ایثار بی نهایت این بانو بود که یکی از دلایل وجود جایگاه ویژه ایشان نزد پیامبر بوده و خداوند هم وجود پربرکت حضرت زهرا(س) را به ثمره همین ایثار به ایشان عطا کرد.

درسی که می توآن از این ماجرا گرفت این است که اگر تاجران یا سرمایه دارانی هستند که می توانند از خانواده هایی حمایت کنند و تکفل چندین خانواده در سال را بپذیرند، یا کمک کلان تر به وضعیت فعلی کشور کنند، این اقدام را انجام دهند. به گونه ای که دشمن در اوضاع اقتصادی ما طمع نکند و سرمایه داران ما مانند حضرت خدیجه برای موجودیت کشور و داشته هایمان ایثار و گذشت داشته باشند.

نمونه دیگر مقاومت، مهاجرت مسلمانان از مکه به مدینه است. به گونه ای که مهاجران خانه و زمین و نخلستان و تمام سرمایه های خود را رها کردند و با دست خالی به مدینه آمدند، چون تقریبا از محل زندگی خود فرار کردند به خاطر شرایط. پیامبر در آن شرایط طرح برادری مهاجر و انصار را مطرح کردند، طبق این طرح بایستی انصار یعنی اهل مدینه تمام داشته های خود را با مهاجران تقسیم کنند. علت این اقدام آن بود که نهال نوپای اسلام تقویت شود و دشمنان ناامید شوند. همراهی این دو گروه باعث شد جایگاه آنها نزد پیامبر ارزش یابد، مهاجران به خاطر ایثار و گذشتن از زندگی خود و انصار به دلیل ایثار در تقسیم اموال و داشته ها ی خود. البته در این شرایط خدا هم وعده خود را عملی می کند و گشایش ایجاد می شود.

ما باید درس بگیریم که با منطق پیامبر، در شرایط تحریم هر چه داریم را با هم تقسیم کنیم و صبر کنیم و وعده خدا که پس از سختی ها آسانی است قطعا محقق می شود.

این نمونه ها در دورآن معاصر یا زندگی اهل بیت(علیهم السلام) نیز موجود است؟

بله قطعا. نمونه هایی از زمان زندگی ائمه معصومین(علیهم السلام)، در دوره امام هادی(ع) و خلافت متوکل عباسی اتفاق افتاد. نزدیک به ده سال محله بنی هاشم در مدینه مورد محاصره اقتصادی و ارتباطی سخت قرار می گیرد، به گونه ای که هیچ غیر هاشمی اجازه ورود به آنجا را نداشته و کمترین جرم کسی که وارد آن محله می شده این بوده است که دست و پای او را به جهت خلاف قطع می کردند.

این قضیه وضعیتی بر سادات بنی هاشمی پیش آورده که هر ده زن علویه یک لباس داشتند که برای خواندن نماز به یکدیگر قرض می دادند. معنی اش این است که آنها سال ها از خانه بیرون نرفتند چون لباس نداشتند و البته در خانه هایشان هم سختی زیادی کشیدند و لباس مناسب برای پوشیدن پیش محارم خود نداشتند. این وضعیت ادامه داشته تا متوکل توسط پسرش کشته شده و وضعیت بهتر می شود.

نمونه دیگر در بغداد است. به عنوان مثال در نیمه قرن پنجم در یکی از محله های شیعه نشین و بزرگ بغداد، با توجه به آنکه که در بغداد غلبه بیشتر با سنی ها است اهل تسنن مرتبا به آن محله می رفتند و آن را به آتش می کشیدند.

تمام منازل و احشام و سرمایه های شیعیان از بین می رفت ولی آن شیعیان بر مسیر خود پایدار بودند. مرحوم شیخ طوسی در همین آتش سوزی ها، خانه و کتابخانه اش سوخت. چهل هزار جلد کتابِ نسخه خطی که نمونه اش نبوده آن زمان از بین رفته است. شیخ طوسی بعد از آن ماجرا از بغداد به نجف فرار کرده و آنجا حوزه علمیه نجف را تأسیس می کند.

بعد از آن در دوره مغول ها اتفاقات بدی رخ داده. چرا که به اقتضای شرایط جنگ در زمان قدیم برای حرکت از نقطه ای به نقطه بعد، تمام مسیرِ پشت سر را با خاک یکسان می کردند تا مطمئن شوند که پشت سر آنها کسی حمله نمی کند به آنها. با این حساب با هجوم مغول ها اوضاع اسفناکی برای بیشتر روستاها و شهرهای کشور به وجود می اید.

نمونه های مقاومت در دوران معاصر را بفرمایید.

مورد دیگر مقاومت در سال های معاصر سال ۱۳۲۰ شمسی است که قحطی و وبا به کشور ما می آید و نیمی از جمعیت کشور ما از بین می رود. همزمان با اشغال کشور توسط متفقین و به آتش کشیدن سیلوهای گندم ما شرایط سختی بر مردم حاکم می شود. اینها اتفاقات دوره معاصر ماست و اسناد تاریخی اش هم موجود است.

بنابراین سختی ها در همه شرایط بوده و مردم زمانه ما نباید فکر کنند که در گذشته شرایط زندگی و دینداری آسان بوده است. مشکلات خاص زمان ما نبوده و نیست. معمولا در هر دوره هم بزرگ یا عالمی رشته این مقاومت را به دست گرفته و این جریان را به موفقیت رسانده است.

در هر صورت ما در شرایط فعلی نسبت به گذشته وضع بهتری داریم. اگر نسبت به سال های قبل انقلاب و یا سال های اوایل انقلاب تحقیق کنیم متوجه می شویم که شرایط به لحاظ رفاهی و امثال آن بهتر شده، در گذشته حتی ارزاق عمومی مردم دچار مشکل بوده است در صورتیکه وضعیت فعلی اینگونه نیست. طبق آمارهای بین المللی در حال حاضر آمار سوء تغذیه در کشور ما کمتر از پنج درصد شده است.

بنابراین ما باید گذشت و ایثار کنیم و بعضی رفتارهای اقتصادی غلط یا پر ریسک را در وضعیت فعلی کنار بگذاریم مثل احتکار یا سرمایه گذاری های بلند مدت و امثال آن.

اشاره کردید که خیلی وقت ها یک عالم یا بزرگی می شود سرخط وقایعِ امید آفرین، همانطور که در دوره قاجار شاهَد بودیم برخی علما با تأسیس شرکت اسلامیه به کمک اقتصاد ملی شتافتند چرا این چنین رفتارهایی در دوره ما کمتر شکل می گیرد؟

من وقتی به گذشته نگاه می کنم تأسف می خورم که چطور بزرگان و علما شرایط سخت اجتماعی و اقتصادی را مدیریت می کردند و هوشیار بودند ولی الان کمتر اینگونه است. شاید یکی از دلایل این قضیه عدم وجود حاکمیت دینی در آن زمان است، بنابراین علما در آن دوره احساس زعامت جامعه را می کردند. به نظرم شاید چون الان در رأس جامعه یک فقیه جامع الشرایط هست و حاکم داریم برخی علما مسئولیتی بر دوش خود نمی بینند! در صورتیکه بهتر است علما از فضای فقه فردی خارج شده و تشکیک مساعی کنند. البته بعضی علما اینگونه هستند، ولی در مجموع مقام معظم رهبری(مدظله العالی) هم باید فکر کند، هم گفتمان سازی، هم تصمیم سازی و هم تصمیم گیری.

واقعا نیاز است بیش از این علما هوشیاری نشان دهند. مثلا در مراسمات مذهبی ما و محافل متدین های ما چیزهایی مصرف می شود که نه تنها ضرورت ندارد بلکه برند خارجی هم دارد، مانند نوشابه در هیئت ها. حالا اگر هم کالای غیر ضروری خریداری می شود، حداقل ایرانی باشد. البته من نمی گویم در شرایط فعلی همه نیازها را از محصولات ایرانی بخریم چون واقعا در برخی موارد میسر نمیشود. اما این اهتمام و دقت باید در خرید کالاها و به ویژه در قشر متدین و متعهد ما و خانواده های آنها بشود.

علما چگونه می توانند یک حرکت جمعی در بحثی که اشاره کردید داشته باشند؟

این بی دقتی ها نشان می دهد که خوداگاهی تاریخی و اقتصادی در بین برخی علما و به تبع آن در بین مردم هم نیست و به وجود نمی آید. قطعا اگر پانصد مجتهدی که در کشور داریم شعار حمایت از کالاهای بومی را سر می دادند وضعیت متفاوت می شد.

همانطور که در تاریخ هست در همان ماجرای شرکت اسلامیه علما بیانیه می دهند برای استفاده از کالاها و پارچه های بومی و .. مثلا می گویند کسی که به آن توجه نکند عقد آنها را نمی خوانیم، بر جنازه آنها نماز نمی خوانیم، بین آنها قضاوت نمی کنیم. حال اگر امروز جامعه مدرسین قم بیانیه بدهد مقلدین آنها هم رعایت می کنند، حتی اگر درصد کمی هم از جمعیت جامعه به این قضیه ملتزم شوند به هر حال جمعیت در نهایت بیشتر خواهد شد، چون باز هم فرهنگ سازی می شود و این اعتقاد برکت میکند. فرهنگ سازی بین این افراد خیلی مؤثر است و در نتیجه حمایت از تولید داخلی را هم به همراه دارد.

چرا سیره عملی و گفتارهای سیاسیون و برخی مؤثرین در دوره ما همخوانی ندارد؟ افراد از اقتصاد ملی می گویند ولی خود و خانواده هایشان رعایت این موضوع را نمی کنند؟! چرا به پیروی از صحبت های رهبری، دم از اقتصاد مقاومتی و تولید ملی می زنند ولی رعایت نمی کنند؟

معتقدم این مسأله بیشتر از آنکه سیاسی باشد فرهنگی است. حتی اگر تحریم هم نبود باز هم این اتفاق می افتاد. ماهیت موضوع فرهنگی است و ریشه های فرهنگی دارد. مثلا چقدر مسئولین ما آگاهی دارند و اطلاع از همان شرکت اسلامیه دارند. من می خواستم در صدا و سیما متن بیانیه اسلامیه را بخوانم که پخش برنامه در نهایت هماهنگ نشد. بعد آن در دانشگاه ها و محافل صحبت کردم. مردم واقعا بی اطلاع بودند و خیلی استقبال کردند از این موضوع.

در زمان گذشته اگر بیگانه ما را تهدید می کرد علمای ما کالای آنها را تحریم می کردند. قضیه تنباکو و میرزای شیرازی نمونه ای از آن بود.

در ماجرای اشغال روس و فشار آنها روی مجلس ما، علمای نجف فراخوان دادند و رفتند کاظمین اردو زدند که معروف شد به اردوی کاظمیه. آنها تهدید کردند به اعلان جهاد و ماجرا تمام شد.

وقتی این تجربه ها محقق شده بنابراین امکان اجرا و موفقیت دارد. اگر ما از موضع قدرت وارد شویم و کالاهای آنها را تحریم کنیم وضعیت متفاوت می شود. امیدوارم حداقل در این شرایط تحریم جامعه علمی ما گذشته و تاریخ ما را بخوانند و از تجربه ها درس بگیرند تا ما هم مانند گذشتگان از این شرایط سخت سربلند بیرون بیاییم و آیندگان نگویند که عزت خود را فروختیم.

تمدن نوین اسلامي مدنظر رهبری برای شکل گیری، نیاز به تکه گمشده ای به نام اقتصاد دارد، اقتصاد مقاومتی می تواند همان تکه گمشده پازل باشد؟

طبعا نه تمام آن. اقتصاد مقاومتی یک آغاز است و رویکرد سلبی است که به ایجاب می رسد. یک روی این سکه «نه به کالای بیگانه» است و یک روی آن «بله به کالای ایرانی».

تمدن اگر بخواهد اسلامی باشد واقعا باید همه چیز آن اقتصاد و فرهنگ و سیاست آن و ... بومی باشد. ممکن است قسمت هایی هم اقتباس کرده باشیم اما قسمت های زیادی هم باید خودمان ایجاد کنیم. مثلا ژاپن و کشورهای پیشرفته تمدن غربی دارند نه تمدن ژاپنی یا کشور مخصوص خود را.
در مورد ما هم به همین گونه است، اقتصاد مقاومتی یک استراتژی برای طی این مسیر است.

اگر اقتصاد مقاومتی شکل نگیرد آیا تلاش های علما و بزرگان در دوره های قبل باز هم ثمر خواهد داد؟

این سوال جواب روشنی دارد. من البته نتیجه را سیاه نمی بینم. به نظرم این استراتژی نه کامل محقق می شود و نه کامل شکست می خورد. این قضیه نسبی است همانگونه که همین الان هم در حال اجرا شدن است. البته الان حداقلی پیش میرود و باید تلاش شود یک گفتمان غالب و برتر شود. البته اگر این مسیر پیش نرود آن تلاش ها هم از بین می رود و ثمر نمی دهد و نتیجه نهایی ندارد.

وبسایت تریبون مستضعفین

انقلاب در دامِ «ارتجاع»

محمدرضا پهلوی، اردیبهشت ۱۳۵۷، در جریان سفر رئیس‌جمهور آلمان به ایران، در پاسخ به سؤال یکی از خبرنگاران آلمانی درباره‌ی علت اعتراضات پردامنه‌ی مردم علیه رژیمش، از «اتحاد نامقدس بین ارتجاع سرخ و سیاه» سخن گفت و آن را عامل ناآرامی ها معرفی کرد. این، همان تعبیری بود که روز ۱۷ دی ۱۳۵۶ در مقاله‌ی سفارشی «ایران و استعمار سرخ و سیاه»، در روزنامه‌ی اطلاعات استفاده شد و دودمان پهلوی را بر باد داد!

آن روز، دربارِ پهلوی، که سرتاپای حاکمیتش، بوی واپس‌گرایی می‌داد، با انگِ ارتجاع به جنگ انقلاب آمد و قافیه را باخت. فرجام چنان تدبیر مضحکی، شکل‌گیری پیشروترین و ضدارتجاعی‌ترین انقلاب قرن بود. در بهمن ۱۳۵۷، پشت ارتجاع به خاک زده شد؛ ارتجاع با هر شکل و به هر نوعش. از ارتجاعی آشکار به نام «اسلام تشریفاتی» و «استبداد پادشاهی» گرفته تا ارتجاعِ مُدرن‌نمای «استکبار آمریکایی».

این واقعه‌ی عظیم، سنگ محکِ تشخیص ارتجاع شد. بعدازآن، می‌شد صفوفِ مقابلِ انقلاب اسلامی را دید و انواع و اقسام واپسگرایی و واپسگرایان را به نظاره نشست. در این صفوف، از شیعه‌ی حجتیه و سنیِ عرب بود تا روسِ کمونیست و اروپایی و آمریکاییِ لیبرال؛ معجونِ مسموم ارتجاعِ قدیم و جدید.

*

ارتجاع، بازگشت به موقعیت و وضعیت کهنه، فرسوده و ناکارآمد است. و انقلاب، یعنی عبور از آن موقعیت و وضعیتِ کهنه. یعنی پیشرَوی و نوشدگی. انقلاب اسلامی، هم عبور از اسلام وارفته‌ی بی‌خاصیت و تشریفاتی بود و هم عبور از مَشهوراتِ تخدیرکننده‌ی تحمیل‌شده توسط غربی‌ها. عرض‌اندامی بود واقعی، هم در برابر «اسلام آمریکایی» و هم در برابر «آمریکا». انقلاب، هم، از تَفاسیر کهنه‌ی متحجرین مسلمان‌نما عبور کرد و هم از تلقی بُزدلانه‌ی «زندگی بدون آمریکا ممکن نیست.»

حالا، برای ضدارتجاعی‌ترین انقلاب معاصر، دام ارتجاع گذاشته‌اند؛ با ادبیاتی شبه‌علمی. می‌گویندَ هر انقلابی، دوره‌ی «ترمیدور» دارد؛ دوره‌ی فرونشستن تب انقلاب و پایان تندروی و آرمان‌گرایی افراطی و استقرار عمل‌گرایی واقع‌بینانه! و امروز دوره‌ی «ترمیدور» انقلاب اسلامی فرا رسیده. ترمیدور به زبان ساده، می‌شود همان «ارتجاع». لااقل برای انقلاب اسلامی، حتماً ارتجاع است.

این اصرارِ برای ترمیدورسازی برای انقلاب اسلامی، نه لزوماً از سوی جبهه‌ی متحد مرتجعینِ قدیم و جدید، که توسط انقلابیونِ دانش‌آموخته در کالجهای شیکِ واپسگرایانِ مدرن صورت می‌گیرد. شروع کرده‌اند به بازگویی طوطی‌وار درس‌های امثال «برینتون» و اراده برای کشیدن ترمز انقلابیگری. آشکارا می‌گویند، «دیگر، دوران احساسات سپری‌شده» و فصلِ عاقل شدن است!

فرمانِ رجعت صادر می‌کنند. رجعت به وضعیت پیشاانقلابی. رجعتی زورکی و جبری. انقلابیونِ ترمیدورساز، می‌کوشند به ضرب‌وزورِ شعبده‌های رسانه‌ای و فشار به اصطلاح نخبگانی، مردم را مجبور به ارتجاع کنند! از بام تا شام، در گوش مردم می‌خوانند که «بس است دیگر»! تا کی شعار؟ تا کی احساسات؟ تا کی افراط‌گری و تندروی؟

*

ارتجاع اتوکشیده‌ی امروز، هم می‌گوید «شهید را سیاسی نکنید» و هم می‌گوید «مرگ بر آمریکا نگویید»! اولی از «اسلام آمریکایی» برمی‌خیزد و دومی از «آمریکاپرستی». سالها طول کشید تا غبار کهنگی و تحجر و قشری‌نگری، از معارف اسلامی کنار زده شود و برسیم به «اسلام ناب». حالا دوره افتاده‌اند که همان کهنگی و تحجر را به نام دینِ انسانی و غیرسیاسی، بازگردانند و جای اسلام نابَ بنشانند.

مرارت‌های بیشمار ملت ایران در تمام این سال‌ها، در حقیقت، رنج ناشی از گردنکشیِ در برابر سیادت و ولایت آمریکا بوده و نه صرفاً عوارض مقطعیِ یک شورشِ کور سیاسی! یقه‌گیری از آمریکا و آمریکاپرستانَ، کنشی پیشروانه و متجددانه بوده. حالا به روزی رسیده‌ایم که واپسگرایان مدرن وطنی، از بازگویی جنایات آمریکا در هیروشیما و ویتنام هم اخم‌هایشان می‌رود توی هم؛ چه رسد به بازخوانی کارنامه‌ی خوانخوارانه‌ی او در ایران خودمان. می‌گویند «سیدنا‌الآمریکا» از این حرف‌های غیرپاستوریزه، بدش می‌آید!

الغرض، مرتجعین متجددنمای ما، دارند در یک ترِدستی جسورانه، «انقلابی اندیشیدن» را ارتجاع جا می‌زنند. هیاهو می‌کنند و داد و قال، تا انقلابیگری جز «عقل‌ستیزی» و «عقل‌گریزی» معنا ندهد. فتوا می‌دهند که شرایط انقلابی، یعنی شرایط حاکمیت احساسات پوچ! با این قلب معنای ناجوانمردانه، انقلاب را ارتجاع می‌نمایانند تا واپسگرایی حیرت‌انگیز خود را به باورهای کهنه‌ای مانند «کدخداپرستی» توجیه کنند؛ «چون ندیدند حقیقت، ره افسانه زدند»!

وقتی نمی‌توانند و نمی‌خواهند انقلابی بمانند، دست به جعل و تحریف انقلاب می‌زنند: «و اذ لَم یهتدوا به فسیقولون هذا افک قدیم.» و «چون به آن [قرآن] راهیاب نشدند، گویند این، برساخته‌ای کهن است. احقاف/ ۱۱ (ترجمه‌ی بهاءالدین خرمشاهی)

منبع: روح‌الله رشیدی

جای ما در تقابل نظام سلطه با انقلاب اسلامی کجاست؟

محمدصادق شهبازی

نظام سلطه در مورد انقلاب اسلامی از ابتدای انقلاب راهکارهای مختلفی را طی کرده است: حمله نظامی، تحریم اقتصادی، حمایت از گروههای تجزیه‌طلب و برانداز، انقلاب رنگی، تهاجم فرهنگی، خرابکاری اقتصادی و صنعتی، ترور و... اما درنهایت نظام سلطه برای براندازی یا استحاله انقلاب اسلامی درنهایت با محوریت اقتصادی-اجتماعی وارد عمل شده است.

پازل دشمن و نقشه ضدحمله

«ببینیم که امروز نقشه دشمن در مورد انقلاب چیست. به تعبیر متعارف و رایج، سناریوی دشمن را حدس بزنیم، ببینیم دنبال چیست. اگر توانستیم درست بفهمیم، درست حدس بزنیم و در مقابل سناریوی دشمن رفتار و اعمال خودمان را برنامه‌ریزی کردیم، قطعاً دشمن شکست خواهد خورد. دشمن یک سناریوی جامع و سروته‌داری را برای نظام اسلامی و برای حرکت اسلامی و بیداری اسلامی تدارک دیده است». (۱۳۹۰/۰۸/۰۳/ رهبری در دیدار با نمایندگان مجلس شورای اسلامی). در این چارچوب بررسی سناریوی نظام سلطه نسبت به دنیا و انقلاب اسلامی مسئله‌ای مهم می‌شود که با استخراج آن، ضد حمله طراحی شود. وگرنه تحلیل‌های سطحی، موردی و غلط ما را به بازی در پازل نظام سلطه یا حداقل انفعال خواهد کشاند. نظام سلطه با محوریت حفظ و بسط منابع قدرت، ثروت و اطلاعات

نظام سلطه چه در دوره استعمار سنتی مبتنی بر تسخیر سرزمین‌ها و غارت منابع و نیروی انسانی، چه در دوره استعمار نو مبتنی بر در اختیار گرفتن منابع طبیعی و انسانی از طریق گماشتن حکومت‌های دست‌نشانده و چه در دوره استعمار فرانو از طریق کنترل قلبها و مغزها با آموزش و رسانه‌ها یک محور کلی داشته و آن در اختیار گرفتن، حفظ و بسط منابع قدرت، ثروت، اطلاعات و مقابله با موانع این حرکت بوده است.

قلب نظام سلطه شبکه اقتصادی صهیونیستی و کارتل‌ها و تراست‌هایی هستند که این مسئله را شکل می‌دهند و قدرت‌های سیاسی و فرهنگی به‌وسیله آن‌ها هدایت می‌شود. بر این مبنا در هر حوزه سازوکارها، آموزش‌ها و تبلیغات، سازمان‌ها و نهادها، معاهده‌ها، شاخص‌ها و... موجود است که این حرکت را نهادینه می‌کند.

شمایی کلی از عملکرد نظام سلطه در اقتصاد

به‌صورت نمونه در حوزه اقتصاد، راهکار اصلی حفظ منابع اقتصادی و بسط و گسترش آن و مقابله با عوامل مخل آن است. سازوکارهایی نظیر استعمار دلار از طریق اجبار همه به استفاده از دلار بعد از جنگ جهانی دوم به‌وسیله آمریکا به‌عنوان ارز واسط بین‌المللی یک نمونه است. معاهده‌ای مثل کنوانسیون برن (حق مالکیت فکری)، جلوی بنا شدن علم و فناوری بر شانه‌های رشد دیگران را می‌گیرد و با تحمیل هزینه گزاف اجازه رشد علمی به کشورها نمی‌دهد. سازمان‌های بین‌المللی اقتصادی نظیر بانک جهانی، صندوق بین‌المللی پول و سازمان تجارت جهانی، ضمن جلوگیری از رشد مبتنی بر ظرفیت‌های درونی کشورها و وابسته کردن اقتصاد کشورها به خارج، سیستم برنامه‌ریزی اقتصادی کشورها را به‌هم‌ریخته، همچنین با اجبار اصلاحات اقتصادی زیان‌بار اقتصاد کشورها را در برابر کشورهای قدرتمند ضعیف کرده و راه واردات، استقراض خارجی پرضرر و... را باز می‌کنند. همین برنامه‌ها از طریق آموزش‌های اقتصاد رسمی (که امروز جریان اقتصاد نئوکلاسیک و سرمایه‌داری جریان اصلی آن است) به‌عنوان راه‌حل علمی به نخبگان کشورها داده‌شده که خود مطالبه‌گر آن باشند و رسانه‌های عمومی نیز آن را ترویج می‌کنند.

شاخص‌هایی دستکاری‌شده مثل رشد کشورها مبتنی بر تجارت خارجی و اقتصاد بازار آزاد نیز، محاسبات مردم، نخبگان و مسئولین را به شیوه‌ای سامان می‌دهد که درنهایت کشورها به سمت اقتصاد بازار آزاد حرکت کنند، منافع شرکت‌های چندملیتی تأمین شود و چون این راه‌حل‌ها و شاخص‌ها دستکاری‌شده‌اند، هیچ‌گاه این کشورها به رشد جدی نمی‌رسند و چرخه وابستگی آن‌ها به‌نظام سلطه ادامه می‌یابد. همین مسئله را می‌توان در علم و فناوری، کشاورزی، سلامت، صنعت و سایر حوزه‌های مرتبط با اقتصاد جستجو کرد؛ یعنی محاسبات مردم، نخبگان و مسئولین را از طریق آموزش، شاخص‌ها و تبلیغات از درون و فشارهای بیرونی نظیر نهادهای بین‌المللی، سازوکارهای نهادینه‌شده و... جوری سامان می‌دهند که خود آن‌ها داوطلبانه یا از روی اکراه منابع طبیعی و انسانی خود را به‌جای به‌کارگیری در مسیر مصالح خود و رشد درونزا به کار بگیرند که منافع نظام سلطه، شرکت‌های بزرگ و باندهای مافیایی اقتصادی و مالی تأمین شود.

روابط مستحکم سلطه سیاسی، اقتصادی و فرهنگی

در همین چارچوب مافیای قدرت، ثروت و اطلاع‌رسانی بین‌المللی به همکاری با یکدیگر می‌پردازند. آمریکا در بسیاری از کشورهای آمریکای جنوبی، شرق آسیا، غرب آسیا، آفریقا و... با تبلیغات، تحریم، انقلاب رنگی، اشغال نظامی و... سازوکارها را به‌گونه‌ای سامان می‌دهد که مردم، نخبگان یا مسئولین کشورها ناچار از پذیرش این چارچوب باشند، یا به‌دلخواه به آن رو آورند و در صورت عدم تمکین با مشت آهنین، تحریم، براندازی و... روبه‌رو شوند تا در نهایت شرکت‌های آمریکایی فرابرسند و منافع حاصل از اشغال یا روی کار آمدن غرب‌گرایان را به خود اختصاص دهند. تجربیات کودتا نظیر اندونزی و سراسر آمریکای لاتین، تحریم، توافق و تسلیم، بازرسی، حمله و سپس غارت منابع در عراق و لیبی، گره زدن اقتصاد به‌نظام بین‌المللی در مورد مالزی، حکام دست‌نشانده در خلیج‌فارس، انقلاب رنگی در اروپای شرقی و آسیای مرکزی و... نمونه این رویکرد است.

نظام سلطه و انقلاب اسلامی

نظام سلطه در مورد انقلاب اسلامی از ابتدای انقلاب راهکارهای مختلفی را طی کرده است: حمله نظامی، تحریم اقتصادی، حمایت از گروه‌های تجزیه‌طلب و برانداز، انقلاب رنگی، تهاجم فرهنگی، خرابکاری اقتصادی و صنعتی، ترور و... اما درنهایت نظام سلطه برای براندازی یا استحاله انقلاب اسلامی درنهایت با محوریت اقتصادی-اجتماعی وارد عمل شده است.

جنگ، کار
تا پیروزی...

در این چارچوب باید محاسبات مردم و مسئولین مختل شود، از ادامه مسیر ایستادگی روی آرمان‌های انقلاب منصرف شوند و مسیر استحاله و فروپاشی دنبال شود. شناخت از وجود خلل در اقتصاد کشور دشمن را به تمرکز روی تحریم کشاند، این مسئله با مشروعیت‌زدایی از رژیم ایران با فتنه ۸۸ و نمایش سرکوبگر بودن ایران در خارج از کشور و رسانه‌های بیگانه محوریت یافت. تحریم به علت عدم پرداختن مسئولین به اصلاح اقتصاد به افزایش هزینه‌های زندگی مردم انجامید تا از این طریق مردم به نارضایتی از وضع موجود رسیده و نظام، انقلاب و مسیر ۴ دهه مقاومت و ایستادگی را اشتباه بدانند، از این طریق با ایجاد اعتراض در مردم و فشار از پایین، نظام سلطه با چانه‌زنی از بالا رفتار نظام را تغییر دهد. هم با استحاله ماهیت انقلابی نظام هم باقدرت دادن جریان غرب‌گرا از طرقی نظیر مذاکره مثل سال‌های آخر شوروی، زمینه براندازی و تجزیه نظیر شوروی یا حمله و اشغال نظیر عراق و لیبی را فراهم آورد.

عناصر اصلی نقشه دشمن در تقابل با انقلاب اسلامی

- فشار واردکردن به مردم از طریق دست گذاشتن روی مشکلات داخلی اقتصاد و دست گذاشتن روی زخم‌ها از طریق تحریم یا برهم زدن قراردادها یا مواردی نظیر بازی با قیمت نفت.
- تبلیغ ناکارآمدی انقلاب و نیروهای انقلابی در اداره درست زندگی مردم و تلاش برای جدا کردن مردم از انقلاب و انقلابیون.
- القای ما نمی‌توانیم و جلوگیری از رشد علمی و فناوری و قدرت یافتن کشور.
- نمایش راه‌حل در رابطه با غرب و پیوستن به‌نظام سلطه.
- تقویت نیروهای غرب‌گرا از طریق مذاکره و تبلیغ رسانه‌ای.
- به سازش کشیدن نظام اسلامی با تداوم فشار و مذاکره از طریق اجبار به توافقات ذلت‌بار و تخریب چهره مقاومت و انقلاب در بیرون از کشور و ایجاد اختلاف درونی.
- گره زدن راه‌حل مسائل به خارج و حل کردن اقتصاد کشور در نظام جهانی از طریق باز کردن باب واردات، تضعیف تولید ملی، آوردن شرکت‌های چندملیتی و سرمایه‌گذاری خارجی در کشور (با تأکید بر در اختیار گرفتن بازار پول و سرمایه (بانک‌ها، مؤسسات مالی و بورس)، در اختیار گرفتن نظام توزیع (از طریق شرکت‌های بزرگ توزیعی و فشار واردکردن به مردم در مواقع حساس)، گرفتن شریان‌هایی نظیر منابع اولیه مثل تولید انرژی کشور و مشخصاً نفت و گاز، تضعیف اقتصاد ملی از طریق پیگیری نسخه‌های بین‌المللی نظیر نسخه‌های اقتصادی صندوق بین‌المللی پول، بانک جهانی و سازمان تجارت جهانی.
- از بین بردن پشتوانه مردمی نظام با این شرایط و به انفعال کشاندن انقلابیون.
- ایجاد تغییر سیاسی در کشور و استحاله سیاسی نظام به‌تبع استحاله اقتصادی و فرهنگی.
- فراهم آوردن زمینه انقلاب رنگی یا حمله به کشور از طریق بازرسی‌های گسترده و تخریب توان دفاعی و نظامی کشور به‌تبع توافقات ذلت‌بار.

چه باید کرد؟

بر این مبنا اهم اقدامات در برابر نقشه نظام سلطه باید هدف قرار دادن محورهای اصلی آن برنامه باشد:

- از بین بردن قلب برنامه دشمن در فاصله ایجاد کردن بین مردم و نظام از طریق فشار و القای ناکارآمدی با تلاش برای خدمت به مردم، پیگیری اصلاح اقتصاد کشور از طریق اقدام مستقیم مثل تلاش برای خودکفایی کالاهای استراتژیک کشاورزی، مطالبه‌گری از نهادهای مسئول در مواردی مثل مبارزه با مفاسد اقتصادی، شفافیت، مقابله با معوقات بانکی، اصلاح نظام بانکی و قطع کردن پای بانک‌ها از شرکت‌داری و سوداگری، واردات‌محوری، مالیات و... . در این چارچوب به‌ویژه مجموعه‌های رسانه‌ای، دانشجویی، مردمی، تریبون‌داران و... باید به مطالبه‌گری از مسئولین بپردازند. در ضلع دیگر باید خود درجاهایی که می‌توانند نقش‌آفرینی دقیق برای تحقق اصلاح کشور نظیر رفع بعضی نیازهای واردات از طریق تولید مستقیم در داخل بپردازند. از سوی دیگر باید انقلاب و انقلابیون در چارچوب خدمت به مردم به اعتمادسازی مستقیم بپردازند. احیای آرمان‌های انقلاب در ابتدای دهه ۸۰ از طریق ۳ ضلعی گفتمان‌سازی مبانی انقلاب و امام از یک‌سو، مطالبه‌گری و عدالت‌خواهی که در آن دوره بر مبارزه با فقر و فساد و تبعیض متمرکز بود از تکه مردم مستقیماً با آن در تماس بودند، مردم را به کارآمدی گفتمان انقلاب و محوریت عدالت رساند. این خدمت‌رسانی و مطالبه‌گری ضلع ملی و محلی دارد. در ضلع محلی باید به سراغ مسائل عقب‌ماندگی و توسعه‌نیافتگی مناطق و هم‌چنین نقشی که آن‌ها در اصلاح اقتصاد کشور می‌توانند ایفا کنند رفت، مثلاً گردشگری سلامت در استان‌های مرزی، گردشگری فرهنگی و انقلابی یکی از اضلاعی است که باید برای تحققش در مناطق کارکرد، مثلاً باید برای منزل خانوادگی امام خمینی در خمین برنامه‌ریزی کرد، یا رشد صنایع تبدیلی در شیلات یا کشاورزی باید مورد مطالبه قرار گیرد، یا احیای هامون در سیستان که هم معیشت مردم منطقه را فعال می‌کند و... . در این دوره غیر از مبارزه با فقر و فساد و تبعیض، اقتصاد مقاومتی و پیشرفت نیز باید مدنظر قرار بگیرد.
- ترویج ما می‌توانیم، از طریق بازخوانی اقدامات مثبت انقلاب و انقلابیون از رشدهای علمی و فناوری تا مقابله با تحریم‌ها مثل اقدامات ۳ گانه نظام در حوزه بنزین که با سهمیه‌بندی بنزین، هدفمندی یارانه‌ها و درنهایت تولید بنزین در پتروشیمی‌ها اصل تحریم بنزین از بین رفت. این اقدام به‌ویژه باید از طریق هنر و ادبیات پیگیری شود.
- دفاع از رشد علمی و فناوری کشور و دستاوردهای آن به‌ویژه در حوزه‌هایی نظیر موشکی و دفاعی و حوزه‌های مستقیماً مرتبط بازندگی مردم.
- تبیین سرنوشت تلخ کشورهای عقب‌نشینی کرده مقابل نظام سلطه:در حوزه‌هایی مثل مذاکرات هسته‌ای و خلع سلاح مثل عراق و لیبی، حوزه سیاسی مثل مصر و تونس، حوزه اقتصادی مثل سرنوشت تلخ کشورهای آمریکای لاتین و آسیای جنوب شرقی.
- تبیین سرنوشت تلخ تعاملات پیشین ما با غرب و آمریکا: عدم رفع تحریم‌ها باوجود مذاکره و عقب‌نشینی‌های ما پس از انقلاب مثل بقای تحریم‌های مربوط به لانه جاسوسی باوجود آزادی گروگان‌ها و معاهده الجزایر، عدم رفع تحریم‌های مربوط به برخورد ما با عوامل گروه‌های تروریستی در دهه ۷۰ باوجود مذاکرات انتقادی، عدم لغو قانون تحریم ایران و لیبی (ILSA یا داماتو). مذاکرات ذلیلانه و پرضرر برای ما مثل مذاکرات انتقادی دهه ۷۰ با کشورهای اروپایی و پاسخ‌گویی ما به‌مثابه متهم، مذاکرات دیتون و سپردن بوسنی به دشمن و تکفیری‌ها، افغانستان و مذاکرات ۲۰۰۱ و... نتایج اسف‌بار همکاری ما با نظام سلطه در حوزه اقتصاد مثل اجرای نسخه‌های صندوق بین‌المللی پول، بانک جهانی در دهه ۷۰ که علاوه به برهم زدن اقتصاد به آشوب‌های اجتماعی انجامید. همکاری‌های ما با نهادهای به‌ظاهر بشردوستانه‌ای نظیر یونیسف و یونسکو در موارد نظیر کنترل جمعیت، مبارزه با ایدز و... منجر به افتادن ما در پازل آن‌ها شد. نتایج تلخ پرونده هسته‌ای و بحران‌های حاصل از نرمش ما مقابل غرب و آژانس در ۸۲ تا ۸۴. بازخوانی نتایج و دست‌های خالی ما در مذاکرات هسته‌ای از ۹۲ تاکنون.
- نرفتن زیر بار توافقات ننگین و بازکننده دست دشمن به کشور.
- مقابله با گره زدن مسائل کشور به خارج و دادن شریان‌های اقتصادی به شرکت‌های چندملیتی و اجرای نسخه‌های نهادهای اقتصادی بین‌المللی.
- دفاع فعال از تخریب انقلابیون در برابر برچسب‌هایی نظیر افراط و... و نمایش تناقضات در اندیشه و عمل غرب‌گرایان.

منبع: رمز عبور

چاره‌کار در دوره پساتحریم چیست؟

دکتر ابراهیم رزاقی

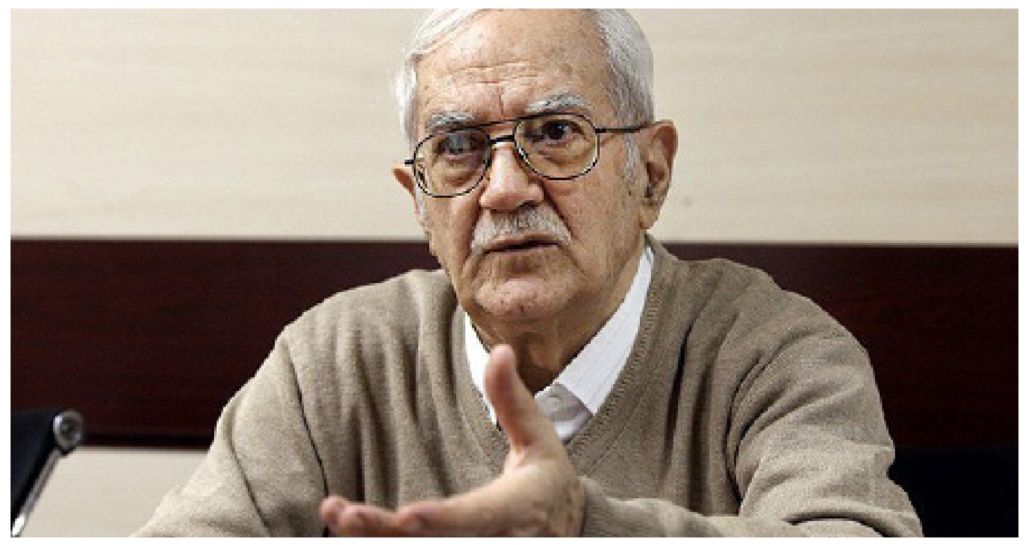

ما در شرایطی وارد دوران پساتحریم شده‌ایم که خدای نکرده عدم وجود و اعتقاد راسخ به استقلال اقتصادی باعث می‌شود تا نگرانی‌ها از شکننده‌تر شدن اوضاع نسبت به وضع سابق افزایش یابد. باید مراقب بود تا رفع موانع تحریم حجم واردات خارجی را بیشتر نکند. سال گذشته در حالی که با مشکلاتی برای واردات مواجه بودیم، ۵۴ میلیارد دلار کالای خارجی (عمدتاً مواد خام) به کشور وارد شد. این حجم وسیع از واردات در حالی است که همچنان به خام فروشی در محصولات پتروشیمی و معادن ادامه می‌دهیم

سوت پایان مذاکرات هسته‌ای این روزها با بازتاب بسیاری همراه بوده و موضوع رفع تحریم‌ها به سوژه بسیاری از مقالات و تحلیل‌ها تبدیل شده است. برخی می‌گویند ۱۵۰ میلیارد دلار از دلارهای بلوکه شده نفتی قرار است به کشور مسترد شود و انتشار این خبر موجب گردیده تا برخی از مسئولین از آن به عنوان مستمسکی برای پوشاندن موقتی ضعف‌های مدیریتی خود بهره‌برداری کنند. ابراز شادمانی برای رفع تحریم‌های ظالمانه زمانی جنبه حقیقی به خود می‌گیرد که بدانیم هیچ بهانه دیگری برای اِعمال تحریم‌های جدید مانند نقض حقوق بشر و حمایت از تروریسم وجود ندارد، در حالی که واقعاً اینگونه نیست و دشمن از هر فرصتی برای ضربه زدن به کشور از جمله به اقتصاد استفاده خواهد کرد.

ما در شرایطی وارد دوران پساتحریم شده‌ایم که خدای نکرده عدم وجود و اعتقاد راسخ به استقلال اقتصادی باعث می‌شود تا نگرانی‌ها از شکننده‌تر شدن اوضاع نسبت به وضع سابق افزایش یابد. باید مراقب بود تا رفع موانع تحریم حجم واردات خارجی را بیشتر نکند. سال گذشته در حالی که با مشکلاتی برای واردات مواجه بودیم، ۵۴ میلیارد دلار کالای خارجی (عمدتاً مواد خام) به کشور وارد شد. این حجم وسیع از واردات در حالی است که همچنان به خام فروشی در محصولات پتروشیمی و معادن ادامه می‌دهیم و برای تامین پول مورد نیاز واردات هم از محل خام فروشی و هم از صندوق پس‌انداز ارزی هزینه شده است. آیا ما قادر نبودیم که با این رقم هنگفت، شرایط حصول اقتصاد مقاومتی را تامین کنیم و آیا این سیاست در دوره جدید همچنان ادامه خواهد داشت؟

یکی از راهکارهای لازم برای تمام ادوار از جمله دوران پساتحریم، دعوت آحاد مردم برای شرکت در دفاع اقتصادی است. کشور ما مورد هجوم تهاجم اقتصادی علیه کشور قرار گرفته است و برای خروج از شرایط فعلی، نیاز به حضور همه مردم در عرصه جنگ اقتصادی است.

آیا مسئولین نباید در برابر این تهاجم دفاع کنند و برای حضور در این جنگ از مردم دعوت به عمل آورند؟ برخلاف انتظار، تبلیغات رسانه‌ای سنگینی در مورد آثار رفع تحریم‌ها به راه افتاده است که برخی از آنها برخلاف مصالح نظام و ضدّ منافع ملی کشور است. وعده ارزان شدن کالاهای خارجی یکی از نمونه‌های روشن از عدم عزم نهادهای ذی‌ربط برای تغییر سیاست‌های اشتباه اقتصادی در دوران جدید است. با کمال تاسف باید گفت داستان دور باطل وابستگی و ضربه‌پذیری همچنان ادامه دارد و این قصه به سر نمی‌رسد. حتی برخی از کارشناسان ادامه روند موجود را بر خلاف امنیت کشور در دراز مدت دانسته و نسبت به عواقب چنین سیاست‌هایی هشدار داده‌اند.
در صورتی که مردم حقیقتاً نسبت به جوانب و عوارض مصرف کالای

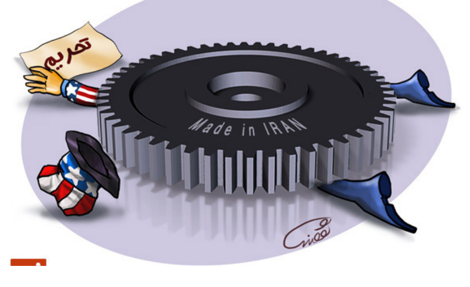

خارجی و ضربه خوردن تولید داخلی از ناحیه آگاه باشند از هستی نظام با جان و دل دفاع خواهند کرد اما زمانی که بر اثر عدم مدیریت اقتصادی دچار فقر و بی‌کاری شوند، زمینه نفوذ امنیتی بیگانگان نیز فراهم می‌شود. سمپاشی ارزش‌های انقلاب مانند جهاد و ایثار در چنین شرایطی تسهیل می‌گردد. بعید نیست فتنه بعدی دشمن با سوار شدن بر موج معضلات اقتصادی و در غفلت مسئولین روی دهد. ممکن است برخی وقوع فتنه‌ای را این‌بار با رنگ و بوی اقتصادی انکار کنند اما آیا دلایلی مبنی بر احتمال چنین امری وجود دارد یا خیر؟ بر اساس تمام قرائن و شواهد، اقتصاد، آسیب‌پذیرترین بخش کشور است و در نتیجه، چالش‌های امنیتی بر اثر سیاست‌های غلط اقتصادی موجود محتمل است. آیا مسئولان از احتمال وقوع چنین امری آگاه نیستند و چرا برخی سیاست‌ها در جهت تشدید آن است؟

در دوران جدید باید بدانیم همان‌هایی که دیروز ما را تحریم کردند و امروز وعده لغو آن را می‌دهند، هر لحظه ممکن است مجدداً رفتار غیرمنطقی خود را از سرگرفته و ستون‌های انقلاب و حقوق مردم را هدف قرار دهند.

از دیگر برنامه‌های اساسی اقتصادی در دوره جدید که به جدّ باید به آن پرداخته شود توجه به تامین امنیت غذایی است. تمام کشورهای شرکت‌کننده در تحریم‌ها از امنیت غذایی بالایی برخوردارند. به عنوان مثال، ایالات متحده سالانه ۱۰۰ میلیارد دلار به بخش کشاورزی برای تامین امنیت غذایی اختصاص می‌دهد و این مبلغ برای کشورهای اروپایی بین ۷۰ الی ۸۰ میلیارد دلار است. دشمنان ما اجازه تضعیف کالای داخلی به وسیله کالاهای وارداتی را نمی‌دهند و جای تعجب است که هنوز در کشور، کمک برنامه‌ریزی شده برای سرپا نگه داشتن تولیدکننده داخلی تدوین نشده است. اختصاص دلار ارزان‌قیمت برای واردات کالاهای خارجی به این معناست که تولیدکننده داخلی را سرزنش نماییم و دائماً از بالا بودن هزینه‌ها، فقدان مهارت در تولید و پایین بودن بهره‌وری شکایت کنیم. اگر با کمک دولتی، دلار سه برابر ارزان‌تر عرضه بشود، این بدین معناست که تولیدکننده خارجی سه برابر قوی‌تر شده و کالای خارجی به هنگام ورود به کشور با یک سوم قیمت می‌تواند تولیدکننده داخلی را از میدان به در کند و دو برابر سود بیشتر عاید خود نماید.
سر و سامان دادن به اخذ مالیات از فعالیت‌های غیرتولیدی از جمله اقدامات دیگر لازم‌الاجرا در شرایط کنونی است. متاسفانه در کشور ما سود فعالیت‌های تولیدی ۱۵ درصد و سود دلالی ۱۰۰ درصد است در حالی که در تمام کشورهای تحریم‌کننده ما، به دلیل مالیات سرسام‌آور ورود به بخش دلالی اصلاً مقرون به صرفه نیست. به عنوان مثال در آمریکا و انگلستان، ۹۰ درصد اختلاف خرید و فروش مسکن، به صورت مالیات دریافت می‌گردد و سپرده‌ها به صورت طبیعی به بخش تولید سرازیر می‌شوند. این در حالی است که در کشور ما دائماً از آزادگذاشتن بی‌ضابطه بازار و فعالان بخش خصوصی در آن سخن به میان می‌آید که تنها به منافع خود می‌اندیشند.
نباید در مسیری قرار بگیریم که چه تحریم باشیم و چه نباشیم، همچنان به خارج و کالاهای خارجی وابسته باشیم. سیاست تقویت بنیه کارگران خارجی به وسیله واردات کالاهای خارجی پس از رفع تحریم‌ها، منجر به تعطیلی بیشتر صنایع و تبدیل شدن صاحبان آنها به دلالان کالا و املاک خواهد شد. وقتی فضا این چنین بوده و هست، باید نگران و به فکر چاره بود. در حال از دست دادن بهترین فرصت‌ها هستیم زیرا برطرف شدن مانع تحریم برای تحقق اقتصاد مقاومتی، هم فرصت است و هم تهدید. فرصت برای مقاوم کردن اقتصاد در برابر مواقع خطر و تهدید برای ورود سیل خانمان برانداز واردات و خاموش شدن چراغ تولیدکنندگان داخلی. این مقاومت تنها مختص به دوران تحریم نیست بلکه متعلق به تمام دوران‌هاست و هیچ دولت و مسئولی نیست که مسئولیتی در قبال آن نداشته باشد.

منبع: روزنامه حمایت